

چگونه عدالت اجتماعی را باید در ایران

برقرار نمود؟

در دو شماره پیش موضوع و مقصود از عدالت اجتماعی را شرح داده و روشن ساختیم که عدالت اجتماعی هدف اصلی زندگانی بشر است و ما با این تشکیلات سیاسی و اداری و اجتماعی که داریم بآن نخواهیم رسید و راه رسیدن بان غیر از این راهی است که ما را روز بروز از کعبه سعادت دور ساخته و بتر کستان می برد!

پیش از آنکه بشرح این موضوع بپردازیم تذکر يك نکته لازم است و آن مفهوم جمله مورد پرسش است که در ابتدا بذهن هر خواننده و شنونده میرسد و تصور می کنند که چون عدالت اجتماعی در دنیای امروز برقرار است و ملت ایران از آن محروم است چگونه و از چه راه باید مردم ایران را از آن برخوردار کرد؟ هر گاه این مفهوم درست باشد ناچار با کمال تأسف باید گفت که هنوز عدالت اجتماعی بتمام معنی خود در هیچ جای دنیا برقرار نیست که ما ایرانیان حسرت برده و افسوس خوریم و بگوئیم بیائید محض رضای خدا و از راه رحم و شفقت ما را هم از این نعمت بهره مند سازید!

ولی در عین حال چون باید در ایران عدالت اجتماعی برقرار شود و از طرفی تا وجود و برقراری آن در دیگر کشورها معلوم و محقق نشود تنها در يك کشور نمیتوان برقرار کرد. از این رو می گوئیم که عدالت اجتماعی تا حدی در دنیا برقرار است نهایت کم و زیاد دارد و چنانکه مثلاً در کشور سوئد و سویس بیش از همه جا برقرار و در آمریکای شمالی در درجه دوم و در سایر کشورهای بزرگ و کوچک هم کم و بیش حتی در زمان جنگ نیز موجود و برقرار است چنانکه همه افراد بسهم خود در تحمل رنج و آسیب جنگ شریک و مصالح عمومی و تقسیم عادلانه خوار بار میان

همه بطور متساوی رعایت میشود و بنا بر این بیشتر کشورهای متمدن جهان چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ با تفاوتهائی از نعمت عدالت اجتماعی بهره مند هستند. در این صورت میتوان گفت که کشور ما از این حیث هم بیش از دیگر کشورها عقب مانده و از این نعمت بکلی محروم شده است و بی شک اگر ما هم راهی که آنان پیش گرفته و پیشرفت کرده اند پیش گیریم بقدر لیاقت و شایستگی امروز خود تاحدی بعدالت اجتماعی میرسیم و برای فردا هم که آموزش و پرورش حقیقی و دنیا پسند در کشورها و میان همه افراد تعمیم یافت و ایمان و اخلاق نیکو و وجدان بر دل و دیده مردم دنیا حکومت کرد ما هم بعدالت اجتماعی بیشتر و بهتر و کاملتری خواهیم رسید.

در مقاله پیش بطور صریح گفتیم که مقصود از عدالت اجتماعی: «تقسیم درآمد دست و زمین میان همه مردم. جلوگیری از تراکم سرمایه بوسیله صرف آن در راه آبادی و عمران کشور. ترویج و توسعه دانشهای خداشناسی و روانشناسی. تقسیم کار میان همه مردم که هیچ فردی بیکار نماند و مفت خور و سربار جامعه نشود...»

شاید در بادی نظر بعضی تعجب کنند که این گونه امور چه ربطی بعدالت اجتماعی دارد چنانکه برای یکی از دوستان عزیز و صالحترین عضو جامعه مادر این موضوع تردید پیدا شده و آنمدیر محترم هم موضوع را خوب شکافته و روشن کردند.

لیکن با کمترین تفکر و تأملی رفع تردید شده و مقصود بخوبی روشن میشود زیرا عدالت اجتماعی در میان هیچ قوم و جامعه گسترده نشود جز بوسیله ترقیات مادی و معنوی و تهذیب اخلاق و ایجاد ایمان و حسن نیت در میان آنان. و گرنه تشکیلات سیاسی و اداری هر قدر هم خوب و کامل باشد، اختراع و اکتشاف و صنایع بهر درجه وسیع و مهم باشد، قوه مقننه و قضائیه هر قدر با ابهت و با قدرت و نفوذ باشد، مادام که مردم پرورش اجتماعی نیافته، در جامعه حس همدردی موجود نشده، همه مردم دارای ایمان و اخلاق نیکو نباشند، خود را در مقدرات افراد جامعه شریک و سهم ندانند، محال است باسایش حقیقی و بسعادت واقعی که عبارت از تساوی در حقوق و توازن امور اجتماعی است برسند.

بعقیده ما تنها راه رسیدن باین مقصود در ایران این است که گامهای زیر را یکی پس از دیگری به نسبت مهم و مهمتر از امروز برداشته و سرانجام باندک مدتی ممکن است بعدالت اجتماعی برسیم :

در درجه اول مهمتر و لازمتر از هر کاری باید قانون فعلی انتخابات را اصلاح کرد بطوریکه بدون دسته‌بندی و رسوائی در مدت کم و با مقدمات ساده و بی‌آلایش نمایندگانانی بالنسبه صالح و با ایمان عهده‌دار این مقام شامخ گردند . (ما در این زمینه بسهم خود پیشنهادهایی بمقامات مربوط تقدیم کرده‌ایم)

در درجه دوم سازمان ادارات دولتی و مؤسسات فرهنگی و قضائی را اصلاح کرد و از نو طرحی تازه ریخت و از میان کارمندان عده لازم که بعقیده نگارنده کمتر از نصف کارمندان فعلی خواهد بود با رعایت شرط صلاحیت و لیاقت و ایمان انتخاب کرد .

در درجه سوم در قوانین جزائی و اداری تجدیدنظر کرده و آنها را متناسب با امروز اصلاح کرد .

در درجه چهارم املاک و کارخانجات دولتی را میان زارعین و کارمندان برکنار شده دولت بترتیب عادلانه و شرایط جامعی که صلاح طرفین باشد واگذار و تقسیم کرد . در درجه پنجم خائنین و محترکین و غارت‌گران دوره دیکتاتوری و دموکراسی را باید محاکمه و مجازات کرد و خادمین و نیکوکاران و کسانی که در راه آسایش عامه و آبادی کشور و نگاهداری جان و مال مردم کوشش کرده‌اند یا اش داد .

در درجه ششم برای عملی کردن آموزش و پرورش عمومی و اصلاح و بسط کشاورزی و توسعه و تعمیم بهداشتی سه نقشه کامل و عملی که حداقل مدت آن پنجسال و حداکثر ده سال باشد تهیه و تنظیم کرد و بوسیله هیئتهای ثابت و صالحی بموقع اجرا گذاشت .

البته شاید خوانندگان گرامی پیش خود خیال کنند که اجرای این برنامه آنهم باریک‌بینانه و تأخر بانبودن وسیله و ابزار کار چگونه ممکن است امروز اینگونه افکار دور و دراز و نظریات (ایدآلی) که تنها برای گفتن و نوشتن خوب است نه برای اجراء و بکار بستن عملی کرد ؟

بمقیده ما اگر قانون انتخابات اصلاح شود و حداقل پنجاه نفر نماینده صالح و با ایمان و با حسن نیت برگزیده شوند شکی نیست که در برابر سایرین با فرض آنکه همه غیر صالح و دارای اغراض شخصی و مقاصد گوناگون باشند میتواند ایستادگی کرده موجبات ایجاد و برقراری عدالت اجتماعی را بطوریکه در بالا شرح دادیم بخوبی فراهم کنند.

تنها کلید این پیروزی بدست نمایندگان صالح این دوره است که اگر بخواهند این نیکنامی را برای همیشه دارا شوند قدم نخست را آنان بردارند و در نتیجه اصلاح قانون انتخابات یکمده نمایندگان صالح و لایق و با ایمان زمام اصلاحات را بدست گرفته و بوسیله دولت طرف اعتماد خویش اجراء کنند.

غزل

بگذر ز علم رسمی که تمام قیل و قال است
 تو و درس عشق ای دل که تمام وجد و حال است!
 ز مراحم الهی نتوان برید امید
 مشنو حدیث زاهد که شنیدنش محال است.
 طمع وصال گفتمی که بکیش ما حرام است
 تو بگو که خون عاشق بکدام دین حلال است؟
 بجواب دردمندان بگشا لب شکر خا
 بگرشمه کن حواله که جواب صد سؤال است.
 غم هجر را بهائی بتو ای بت ستمگر
 بزبان حال گوید که زبان قال لال است.
 (شیخ بهائی)